

حزبی برای تکمیل دیکتاتوری شاه

۲۲ دی ۱۴۰۰ ساعت ۲۳:۰۴

رستاخیز و جناح‌های متعلق به آن در سراسر کشور هم شعباتی داشتند. حزب به منظور فراخوان توده‌ها، اقدام به تأسیس شعب خود در سراسر کشور، سازماندهی اجتماعات و سمینارهای سیاسی چندی به طرفداری از شاه و نیز راه‌اندازی دانشکده علوم سیاسی برای آموزش اعضای خود کرد. همچنین کوشید در بازار نفوذ کند و تجار و مغازه‌داران را به خود جذب نماید. تعداد اعضای آن به شش میلیون نفر بالغ شد.

با الهام از سخنان شاهنشاه آریامهر در روز یازدهم اسفند ۱۳۵۳، مرام نامه حزب رستاخیز ملت ایران اعلام می‌گردد. این جمله، اولین جمله مرامنامه حزب موسوم به رستاخیز است که بنا به دستور شاه و با ادغام سایر احزاب در اواخر سال ۱۳۵۳ موجودیت یافت. شاه قصد داشت با این حزب دموکراسی هدایت شده را به اجرا گذارد؛ اما در درون حزب هیچ راهی برای مشارکت مردمی وجود نداشت. با این حال شاه مدعی بود با ساختارهای جناحی که به وجود آورده است، این امر را محقق ساخته است؛ در حالی که برخلاف این ادعا، جناح‌های داخل حزب کاملاً در راستای یکدیگر قرار داشتند. حال سؤال این است که این دو جناحی که در درون حزب قرار داشت چه جناح‌هایی بودند و وظیفه آنها چه بود؟

وضعیت احزاب تا قبل از تشکیل رستاخیز

تا پیش از تشکیل حزب رستاخیز، چند حزب در کشور وجود داشت که عمدتاً دولتی و وابسته به حکومت بودند. حزب ملیون، حزب ایران نوین و بعدها حزب مردم که ظاهراً حزب مردم حزب رقیب یا مخالف این دو حزب بود؛ اما عملاً همه احزاب از شاه تبعیت می‌کردند و «اجازه نداشتند هیچ نامزدی را پیش از تأیید ساواک معرفی کنند. حدود انتقاد نیز از پیش تعیین می‌شد. مجلسی که این نامزدها برای آن انتخاب می‌شدند قدرتی نداشت و نخست زیر منسوب شاه بود و هست. هیچ کس واقعاً عقیده نداشت که این نظام شباهتی به یک نظام دو حزبی داشته باشد»^۱

با این حال شاه این دو حزب را نیز بر نمی‌تابید و همواره در صدد یافتن راه‌هایی برای تبدیل ساختار کشور به تک حزبی بود. او همواره اعلام می‌کرد «اگر من دیکتاتور بودم و نه پادشاه مشروطه، پس باید وسوسه می‌شدم یک حزب حاکم واحد مانند آنچه هیتلر تشکیل داد با آنچه در کشورهای کمونیستی می‌بینید برپا کنم.» اما شاه حتی به این چهره نمایشی از مشروطه نیز پایبند نماند و با تشکیل حزب واحد رستاخیز ثابت کرد که یک دیکتاتور است و نه پادشاه مشروطه.

او در اسفند ۱۳۵۳ در ۱۹۷۵ تصمیم گرفت سیاست فعالتری در جهت بسیج پشتیبانی برای رژیم در پیش گیرد و نقش سیاسی دولت در بطن جامعه ایران را نه به صورتی منفعل بلکه به وجهی فعال تقویت کند. وی با یک ابتکار غیر منتظره تأسیس حزب

وَأحد جدیدی به نام حزب رستاخیز ملت ایران را اعلام کرد. همه ایرانیان مجبور شدند به این حزب بپیوندند و در حالی که در سازمان قبلی در خارج از مجلس اصلاً تشکیلاتی نداشتند قرار شد این حزب به صورت یک حزب توده‌ای درآید. ۲

حزب رستاخیز و ساختارهای آن

حزب رستاخیز ساختار چندان پیچیده‌ای نداشت و تنها از دو حزب چپ و راست که ظاهراً رقیب هم بودند تشکیل شده بود. به نظر می‌رسد بنابه فرمان شاه و برای ایجاد تحرک بیشتر در حزب دست به این کار زده شده بود. برخی هم معتقدند که جناح‌بندی حزب به دلیل موجه و دموکراتیک جلوه دادن حزب به وجود آمده بود. ۳ با این حال جناح‌های مذکور شامل جناح پیشرو که از آن با نام پیشرو و مترقی یا پیشرو و ترقی‌خواه هم یاد شده است. این حزب تحت رهبری جمشید آموزگار قرار داشت و جناح سازنده به رهبری هوشنگ انصاری.

«ظاهراً قرار بود که نمایندگان دو جناح دارای دو طرز فکر مختلف، اما وفادار به اصول سه‌گانه حزب و معتقد به اجرای اساسنامه و مرامنامه باشند و در واقع گرایش‌های مختلف سیاسی حزب‌های پیشین وفادار به نظام، در این دو جناح متمرکز شود. رهبران جناح‌ها را خود شاه تعیین کرد. جناح سومی نیز در خرداد ۱۳۵۷، به رهبری هوشنگ نهانوندی، پدید آمد. این جناح از نقد عملکردهای حزب رستاخیز شکل گرفت و اعضای آن به بررسی مسائل ایران می‌پرداختند که به گفته نهانوندی به پیشنهاد خود شاه تشکیل شده بود و غالباً «پوزسیون اعلیحضرت» خوانده می‌شد. ۴

رستاخیز و جناح‌های متعلق به آن در سراسر کشور هم شعباتی داشتند. حزب به منظور فراخوان توده‌ها، اقدام به تأسیس شعب خود در سراسر کشور، سازماندهی اجتماعات و سمینارهای سیاسی چندی به طرفداری از شاه و نیز راه‌اندازی دانشکده علوم سیاسی برای آموزش اعضای خود کرد. همچنین کوشید در بازار نفوذ کند و تجار و مغازه‌داران را به خود جذب نماید. تعداد اعضای آن به شش میلیون نفر بالغ شد. ۵ همچنین، برای تبلیغات بیشتر در خصوص شناساندن رستاخیز، پنج روزنامه: رستاخیز یومیه، رستاخیز کارگران، رستاخیز کشاورزان، رستاخیز جوانان و اندیشه رستاخیز، ارگان حزب گردیدند که در جهت تبلیغ منافع رستاخیز و اقدامات شاهنشاه گام بر می‌داشتند. ۶

در ابتدا امیرعباس هویدا به عنوان دبیر کل حزب بود، اما بعد از مدتی به ترتیب آموزگار و محمد معتضد باهری انتخاب شدند. شاه بعد از این انتخاب در یکی از نطق‌های خود اعلام کرد که نمایندگان مردمی می‌توانند دبیر کل را تغییر و دبیر کل جدیدی را انتخاب کنند؛ اما این نظر تغییر کرد و در نهایت خود شاه تصمیم‌گیرنده نهایی برای انتخاب دبیر کل شد. این موضوع تأثیر بسزایی در سرخوردگی مردم و نمایندگان آنان از عملکرد رستاخیز و مشارکت‌پذیر بودن آن به وجود آورد. در یکی از منابع و به نقل از یکی از مسئولین دولتی حکومت پهلوی در این رابطه آمده است:

«... در کنگره اخیر حزب رستاخیز، نمایندگان از سراسر کشور در تهران گرد آمدند و به همه آنها نیز اطمینان داده شد که با برخورداری از آزادی کامل می‌توانند فرد دیگری را به جای جمشید آموزگار به عنوان دبیر کل حزب انتخاب کنند. ولی هنوز سه روز به پایان کنگره و انجام انتخابات برای گزینش دبیر کل باقی نمانده بود، که شاهنشاه طی نطقی اعلام داشت: دو مقام دبیرکلی حزب رستاخیز و نخست‌وزیری از هم قابل تفکیک نیست و حالا شما بی‌اعتقادی و سرخوردگی ۱۵۰۰ نفر را مجسم کنید که پس از سه روز بحث و تبادل نظر برای انتخاب دبیرکل جدید، چگونه کوشش خود را بکلی بی‌فایده دیده و موظف به اجرای تصمیمی شده‌اند که اصلاً در اتخاذ آن دخالتی نداشته‌اند...» ۷.

سخن نهایی

حزب رستاخیز، آخرین اقدام محمدرضا پهلوی برای تکمیل ساخت دیکتاتوری حکومت بود. شاه ایران تلاش داشت با این حزب تمام مردم را به مشارکت اجباری دعوت کند؛ اما جایی برای مشارکت در حزب باقی نگذاشته بود. او در ساختار حزب، دو جناح به وجود آورد تا به مثابه دو حزب چپ و راست، با یکدیگر رقابت کنند؛ اما در واقعیت این جناح‌ها نیز هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشتند.

فهرست منابع

۱. فرد هالیدی، ایران، دیکتاتوری و توسعه، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران، انتشارات علم، ۱۳۵۸، صص ۴۴-۴۵.
۲. همان، ص ۴۵.
۳. پروین حیدری، "پیدایش و افول یک حزب دولت ساخته: حزب رستاخیز"، نیمسال نامه تاریخ نو، نامه تاریخ نو نیمسال (شماره دوم بهار و تابستان ۱۳۹۰)، ص ۱۰۷.
۴. بنیاد دائرة المعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱، ص ۶۰۸۴.
۵. پروین مرآت امینی، حزب رستاخیز؛ از تاسیس تا فرجام، ترجمه شیدا قماشچی، ۱۳۹۵، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.
۶. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱.
۷. پرویز راجی، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه ح.ا. مهران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۵۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48612/شاه-دیکتاتوری-تکمیل-حزب>